فصلنامه علمی تخصصی مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری
سال هشتم، شماره۳ (پیاپی: ۳۳)، پاییز ۱۴۰۴
ISSN: 2645-4424

بررسی وضعیت و نحوه مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری و برنامه‌ریزی شهرداری دیواندره

فرزاد شیری[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۵
کد مقاله: ۲۴۷۱۴

چکـیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی وضعیت موجود و نحوه مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شهرداری دیواندره و شناسایی مهم‌ترین موانع و چالش‌های پیش‌روی تحقق مدیریت شهری مشارکتی در این شهر بود. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از حیث روش، توصیفی ـ تحلیلی است که داده‌های آن با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته از میان ۳۸۰ نفر از شهروندان دیواندره گردآوری شد. نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی ساده انجام گرفت و داده‌ها با بهره‌گیری از شاخص‌های آمار توصیفی و آزمون‌های تحلیلی (همبستگی و تحلیل واریانس) در محیط نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.یافته‌های پژوهش نشان داد که سطح اطلاع‌رسانی شهرداری به شهروندان بسیار پایین بوده و بیش از ۶۵ درصد از پاسخ‌دهندگان اذعان داشتند که به‌طور رسمی از طرح‌ها و تصمیمات شهرداری آگاه نمی‌شوند. همچنین میزان مشارکت واقعی شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری نیز در سطح ضعیفی قرار دارد و بخش زیادی از مردم شهرداری را صرفاً یک نهاد اجرایی می‌دانند. بررسی ابزارها و کانال‌های مشارکت نشان داد که سامانه‌های موجود اعم از سایت شهرداری، شبکه‌های اجتماعی و شوراهای اسلامی شهر کارکردی عمدتاً یک‌طرفه و تبلیغی داشته و بستر لازم برای تعامل پایدار با مردم را فراهم نمی‌کنند.این مطالعه همچنین مشخص ساخت که موانع مشارکت شهروندان در دیواندره، ریشه در سه سطح فردی (ناآگاهی و ناامیدی از اثرگذاری)، نهادی (کمبود شفافیت، ضعف پاسخ‌گویی) و ساختاری–فرهنگی (نبود فرهنگ مسئولیت‌پذیری جمعی و انجمن‌های محلی فعال) دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر پیشنهاد می‌کند که شهرداری دیواندره در سه حوزه اصلاح ساختارها و ابزارهای مشارکت، بازنگری در رویکرد نهادی و اجرای برنامه‌های فرهنگی ـ آموزشی، برنامه‌ریزی هدفمندتری داشته باشد تا زمینه تحقق مشارکت واقعی و پایدار شهروندان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی حکمرانی شهری فراهم گردد.

واژگـان کلـیدی: مشارکت، شهروندان، تصمیم گیری، شهرداری، دیواندره

۱ - کارشناس معماری، شهرداری دیواندره

۱- مقدمه

مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری طی دو دهه گذشته به یکی از مهم‌ترین اصول در مدیریت نوین شهری تبدیل شده است. این مفهوم که ریشه در فرآیندهای مردم‌سالارانه دارد، نشان‌دهنده گذار از مدیریت متمرکز شهری به سوی مدیریت مشارکتی است، جایی که شهروندان نه تنها به‌عنوان دریافت‌کنندگان خدمات بلکه به‌عنوان کنشگران فعال در عرصه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مطرح می‌شوند. در واقع، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های شهری، نه یک گزینه انتخابی بلکه ضرورتی بنیادین در تحقق عدالت فضایی، افزایش مشروعیت نظام برنامه‌ریزی و بهبود کیفیت زندگی شهری است (شکوئی، ۱۳۹۳؛ رضازاده و همکاران، ۱۴۰۰).در ایران نیز با وجود تلاش‌هایی برای جلب مشارکت عمومی، این فرآیند غالباً با چالش‌هایی نظیر ضعف بسترهای قانونی، محدود بودن ابزارهای اجرایی، بی‌اعتمادی عمومی به نهادهای مدیریت شهری، و عدم نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت مواجه بوده است. به باور کاظمیان (۱۳۹۵)، عمده برنامه‌های توسعه شهری در ایران بدون حضور واقعی و مؤثر مردم تدوین و اجرا شده‌اند، که نتیجه آن فاصله میان تصمیم‌سازان و مردم و افزایش نارضایتی‌های عمومی بوده است. با این حال، در سال‌های اخیر برخی شهرداری‌ها تلاش کرده‌اند با طراحی سازوکارهایی مانند بودجه‌ریزی مشارکتی، برگزاری جلسات مشورتی و نظرسنجی‌های شهری، تا حدی این شکاف را کاهش دهند (موسوی و یزدان‌پناه، ۱۳۹۸).

شهر دیواندره، به‌عنوان یکی از شهرهای کوچک اما راهبردی استان کردستان، با چالش‌های خاصی در زمینه حکمرانی شهری مواجه است. از یک‌سو، ساختار جمعیتی و اجتماعی آن ظرفیت بالقوه‌ای برای مشارکت دارد و از سوی دیگر، محدودیت‌های نهادی و مدیریتی در سطح شهرداری مانعی بر سر راه بهره‌برداری مؤثر از این ظرفیت‌هاست. بررسی علمی وضعیت مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری در دیواندره می‌تواند به شناخت دقیق‌تری از شکاف‌ها، موانع و فرصت‌های موجود منجر شده و زمینه‌ساز بهبود عملکرد مدیریت شهری در این شهر گردد.مطالعه حاضر با هدف تحلیل وضعیت موجود، شناسایی موانع ساختاری و نهادی، و ارائه راهکارهایی برای ارتقاء سطح مشارکت عمومی، تدوین شده است. از آنجا که مشارکت اثربخش نیازمند فهم عمیق از زمینه‌های اجتماعی، نهادی و فرهنگی هر شهر است، این پژوهش تلاش می‌کند ضمن بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری معتبر، با رویکردی بومی به بررسی موضوع در شهر دیواندره بپردازد.

۲- مفاهیم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری

مشارکت شهروندی در مدیریت شهری از نگاه نظریه‌های معاصر شهری، به‌مثابه یکی از ارکان اصلی حکمرانی مطلوب شناخته می‌شود و مستقیماً با اصولی مانند پاسخگویی، شفافیت، کارآمدی و عدالت فضایی گره خورده است. این مفهوم تحولی بنیادی در فهم نقش مردم در ساختارهای حکمرانی محلی و فرآیندهای تصمیم‌سازی شهری ایجاد کرده و در واقع نشان‌دهنده تغییر نگرش از «برنامه‌ریزی برای مردم» به «برنامه‌ریزی با مردم» است (شکوئی، ۱۳۹۳).در ساده‌ترین تعریف، مشارکت شهروندی به معنی آن است که افراد جامعه به شکل مستقیم (حضور در جلسات مشورتی، نظرسنجی‌ها، پروژه‌های داوطلبانه) یا غیرمستقیم (از طریق نهادهایی مانند شوراهای شهر، انجمن‌های محلی و سمن‌ها) در فرآیند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، طراحی و حتی ارزیابی امور شهری نقش داشته باشند. به بیان دیگر، مشارکت شهروندی یعنی جابه‌جایی موقعیت مردم از جایگاه صرفاً مصرف‌کننده خدمات شهری به جایگاه هم‌طراح، هم‌پایشگر و هم‌مسئول در فرآیندهای توسعه شهری (کاظمیان، ۱۳۹۵).

شهر به‌عنوان یک نظام اجتماعی پیچیده، شبکه‌ای از روابط اقتصادی، فرهنگی و محیطی است که تصمیم‌گیری درباره آن، صرفاً توسط مدیران و متخصصان نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای واقعی همه اقشار باشد. حضور مردم در این فرآیند باعث می‌شود که تصمیمات شهری به‌جای شکل‌گیری از بالا به پایین، در بستر زندگی واقعی شهروندان ساخته شود و در نتیجه با واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بومی همخوانی بیشتری داشته باشد (موسوی و یزدان‌پناه، ۱۳۹۸).افزون بر این، مشارکت شهروندی به‌طور مستقیم باعث تقویت سرمایه اجتماعی، ارتقای اعتماد عمومی به مدیریت شهری، و کاهش تعارض‌های آینده بر سر طرح‌های توسعه شهری می‌شود. وقتی مردم احساس کنند که در تصمیم‌گیری‌ها صدایشان شنیده شده، کمتر در برابر پروژه‌های شهری مقاومت خواهند کرد و حتی ممکن است به داوطلبان مؤثر در پیشبرد این طرح‌ها بدل شوند (رضازاده و همکاران، ۱۴۰۰).

از منظر فلسفه سیاست و مدیریت شهری، مشارکت مردم در سرنوشت شهر خود، مصداقی از حق به شهر (Right to the City)است؛ مفهومی که نخست توسط هنری لوفور (۱۹۶۸) مطرح شد و بعدها توسط دیوید هاروی توسعه یافت. حق به شهر به این معناست که تمامی شهروندان، فارغ از طبقه، جنسیت و قومیت، حق دارند در تصمیم‌گیری درباره فضاها، سیاست‌ها و امکانات شهری نقش داشته باشند (کاظمیان، ۱۳۹۵؛ شکوئی، ۱۳۹۳).

همچنین در نظریه‌های نوین حکمرانی محلی، مشارکت شهروندی از منظر عدالت فضایی نیز اهمیت می‌یابد؛ زیرا توزیع بهینه زیرساخت‌ها و خدمات بدون شناخت دقیق از نیازهای واقعی گروه‌های مختلف امکان‌پذیر نیست و این شناخت فقط از طریق فرآیندهای مشارکتی حاصل می‌شود.نکته مهم آن است که مشارکت یک پدیده تک‌بعدی نیست، بلکه می‌تواند از سطوح پایین

مانند «اطلاع‌رسانی» تا سطوح بالاتر مانند «مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت» گسترش یابد. مدل معروف آرنشتاین (۱۹۶۹) که در ایران نیز توسط بسیاری از پژوهشگران همچون موسوی و یزدان‌پناه (۱۳۹۸) اقتباس شده، این سطوح را در قالب «نردبان مشارکت» ترسیم می‌کند. در این مدل، در پایین‌ترین سطح تنها به مردم اطلاع داده می‌شود و در بالاترین سطح، قدرت واقعی تصمیم‌سازی به مردم منتقل می‌شود.مطالعات انجام‌شده در شهرداری‌های مختلف ایران نشان می‌دهد که اغلب این نهادها هنوز در سطح اطلاع‌رسانی یا مشورت باقی مانده‌اند و کمتر شاهد انتقال واقعی قدرت به مردم هستیم (رضازاده و همکاران، ۱۴۰۰).

۳- دیدگاه‌های نظری درباره مشارکت شهروندی

در بررسی نظری مشارکت شهروندی، می‌توان دو رویکرد اصلی را شناسایی کرد: نگاه کلاسیک به مدیریت شهری و نگاه نوین و مشارکتی که در دهه‌های اخیر رشد یافته است. در رویکرد کلاسیک که ریشه در مدیریت دولتی متمرکز دارد، شهروندان نقش فعالی در سیاست‌گذاری و مدیریت شهری نداشتند. ساختار تصمیم‌گیری در این دیدگاه غالباً سلسله‌مراتبی و از بالا به پایین (Top-Down)بود، به‌طوری‌که مدیران شهری، برنامه‌ریزان و متخصصان به‌عنوان صاحبان انحصاری دانش و قدرت، تصمیمات را اتخاذ می‌کردند و مردم صرفاً دریافت‌کنندگان خدمات محسوب می‌شدند (رضازاده و همکاران، ۱۴۰۰). این مدل، اگرچه در مراحل اولیه توسعه شهری به‌واسطه نظم اداری و سرعت در اجرا مؤثر بود، اما به‌مرور ناکارآمدی آن در پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع و پیچیده شهروندان آشکار شد؛ چراکه اغلب تصمیمات، بدون شناخت کافی از واقعیت‌های اجتماعی و فضایی اتخاذ می‌شدند و در عمل با مقاومت مردم یا نارضایتی مواجه می‌گردیدند. در مقابل، نظریه‌های مشارکتی و مردم‌سالارانه که از نیمه دوم قرن بیستم به‌ویژه پس از جنبش‌های اجتماعی دهه ۶۰ میلادی رشد یافتند، بر حضور فعال، نظام‌مند و آگاهانه شهروندان در تمام سطوح تصمیم‌گیری شهری تأکید دارند. در این رویکرد، مشارکت نه‌تنها ابزاری برای اجرای بهتر طرح‌ها، بلکه بخشی از فرآیند تحقق حقوق شهروندی و دموکراسی شهری به‌شمار می‌رود. به‌ویژه نظریه «حق به شهر» که توسط هنری لوفور مطرح شد، به‌شکل جدی بر حضور شهروندان در تمامی فرآیندهای تعیین سرنوشت شهر تأکید دارد و این ایده بعدها در قالب نظریه‌هایی چون برنامه‌ریزی ارتباطی و حکمرانی مشارکتی توسعه یافت (کاظمیان، ۱۳۹۵؛ موسوی و یزدان‌پناه، ۱۳۹۸).

یکی از مهم‌ترین مدل‌های مفهومی در این زمینه، نردبان مشارکت آرنشتاین (۱۹۶۹) است. آرنشتاین، پژوهشگر آمریکایی، با هدف تحلیل سطح و کیفیت مشارکت مردمی در فرآیندهای تصمیم‌گیری عمومی، مدل مشهوری را ارائه داد که به «نردبان مشارکت» معروف شد. این نردبان شامل ۸ پله است که در سه سطح کلی طبقه‌بندی شده‌اند:

سطح غیرمشارکت :شامل پله‌های "دست‌کاری" و "درمان‌گری" که در واقع استفاده ابزاری از مردم بدون مشارکت واقعی است.

سطح نمادین :شامل پله‌های "اطلاع‌رسانی"، "مشاوره" و "تسکین"، که در آن اطلاعاتی به مردم داده می‌شود یا نظراتشان گرفته می‌شود اما تصمیم نهایی در دست مدیران باقی می‌ماند.

سطح مشارکت واقعی: شامل پله‌های "شراکت"، "تفویض قدرت" و "کنترل شهروندی" که در آن مردم قدرت واقعی دارند و می‌توانند در تصمیم‌سازی مؤثر باشند یا حتی خود رأساً تصمیم بگیرند.

این مدل به‌دلیل سادگی، شفافیت مفهومی و کارکرد عملی‌اش، در دهه‌های اخیر مورد استفاده گسترده در مطالعات مدیریت شهری و برنامه‌ریزی قرار گرفته و پژوهشگران ایرانی نیز آن را با شرایط بومی بازآفرینی کرده‌اند. برای مثال، شکوئی (۱۳۹۳) با اشاره به محدودیت‌های ساختاری در ایران، پیشنهاد می‌کند که ارتقاء سطح مشارکت در نردبان آرنشتاین، مستلزم تقویت نهادهای محلی، شفاف‌سازی فرایندهای اداری و آموزش عمومی است. به‌طور کلی، نردبان مشارکت آرنشتاین همچنان یکی از ابزارهای مهم در سنجش کیفیت مشارکت شهروندی در شهرداری‌های ایران محسوب می‌شود و بسیاری از مطالعات داخلی، از آن به‌عنوان مبنای ارزیابی سطوح مشارکت استفاده می‌کنند (رضازاده و همکاران، ۱۴۰۰؛ موسوی و یزدان‌پناه، ۱۳۹۸).

۴-ابعاد و مؤلفه‌های مشارکت شهروندی در مدیریت شهری

مشارکت شهروندی، اگرچه مفهومی به‌ظاهر ساده به نظر می‌رسد، اما در عمل پدیده‌ای چندوجهی و پیچیده است که شامل ابعاد گوناگون اجتماعی، نهادی، حقوقی و حتی فرهنگی می‌شود. شناسایی این ابعاد و مؤلفه‌ها برای تحلیل وضعیت موجود مشارکت در هر شهر، از جمله شهر دیواندره، کاملاً ضروری است. ادبیات نظری و تجربی موجود، مشارکت شهروندی را معمولاً در قالب سه بعد اصلی تحلیل می‌کند: اطلاع‌رسانی، مشورت، و تصمیم‌سازی/تصمیم‌گیری (کاظمیان، ۱۳۹۵؛ رضازاده و همکاران، ۱۴۰۰).

۴-۱- بعد اطلاع‌رسانی

پایه‌ای‌ترین سطح مشارکت آن است که شهروندان از تصمیمات، سیاست‌ها، پروژه‌ها و عملکرد شهرداری‌ها آگاه باشند. در غیاب این شفافیت، امکان هیچ‌گونه مداخله آگاهانه‌ای از سوی مردم وجود ندارد. اطلاع‌رسانی مؤثر باید شامل اطلاع از طرح‌های توسعه شهری، برنامه‌های عمرانی، بودجه‌های سالانه، فراخوان‌های عمومی و حتی جلسات شوراهای شهر باشد. متأسفانه در بسیاری از شهرداری‌های کشور، این بعد از مشارکت نیز به‌شکل کامل تحقق نیافته است و اطلاعات کلیدی یا در اختیار عموم قرار نمی‌گیرد، یا در قالب‌های غیرقابل درک برای عموم عرضه می‌شود (موسوی و یزدان‌پناه، ۱۳۹۸).در برخی موارد، این اطلاع‌رسانی به شکل یک‌طرفه و در قالب تبلیغات رسانه‌ای صورت می‌گیرد، درحالی‌که مشارکت واقعی نیازمند اطلاع‌رسانی متقابل، تعاملی و به‌روز است (شکوئی، ۱۳۹۳).

۴-۲-بعد مشورت

سطح دوم مشارکت در جایی آغاز می‌شود که دیدگاه‌ها، نیازها و نظرات شهروندان از طریق ابزارهایی مانند نظرسنجی، جلسات عمومی، کارگاه‌های مشارکتی یا رسانه‌های اجتماعی جمع‌آوری می‌شود. در این مرحله، هدف آن است که تصمیم‌گیران شهری با درک نظرات مردم، تصمیمات خود را اصلاح یا بهینه‌سازی کنند. این بعد معمولاً نمادین است؛ زیرا الزام قانونی برای در نظر گرفتن نظرات مردم وجود ندارد. با این‌حال، می‌تواند مقدمه‌ای برای افزایش آگاهی، توان‌افزایی شهروندان و ایجاد بستر گفت‌وگو باشد (رضازاده و همکاران، ۱۴۰۰). در تجربه‌های موفق داخلی مانند اجرای پروژه‌های نوسازی محله‌ای یا بودجه‌ریزی مشارکتی در برخی مناطق تهران و اصفهان، این بعد به‌خوبی به اجرا درآمده و نقش مشورت‌پذیری در ارتقاء مشروعیت تصمیمات شهری اثبات شده است (کاظمیان، ۱۳۹۵).

۴-۳- بعد تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری

بالاترین سطح مشارکت آن است که شهروندان نه‌تنها نظردهنده یا شنونده باشند، بلکه خود در فرآیند تصمیم‌سازی، اولویت‌گذاری و حتی نظارت بر اجرا نقش داشته باشند. این سطح از مشارکت در قالب نهادهایی مانند شوراهای محلی محله‌محور، کمیته‌های تخصصی شهروندی یا مجامع محلی جلوه‌گر می‌شود. در این سطح، شهروندان به‌عنوان شریک سیاست‌گذار تلقی می‌شوند، نه فقط مخاطب تصمیمات.تحقق این سطح از مشارکت، نیازمند تحول ساختاری در سازمان شهرداری، تدوین قوانین حمایتی، ایجاد فرهنگ مسئولیت‌پذیری عمومی و آموزش گسترده شهروندی است (موسوی و یزدان‌پناه، ۱۳۹۸). در ایران، اگرچه ساختار شوراهای اسلامی شهر به‌عنوان مکانیزمی برای تحقق این سطح از مشارکت طراحی شده، اما عملکرد آن‌ها در بسیاری از موارد به‌دلیل ضعف نظارت، محدود بودن اختیارات، و مداخلات سیاسی، از کیفیت لازم برخوردار نبوده است (رضازاده و همکاران، ۱۴۰۰).

۴-۴-مؤلفه‌های مکمل: فرهنگ مشارکت، سرمایه اجتماعی و آموزش

اگرچه استقرار نهادها، قوانین و رویه‌های اداری برای پیاده‌سازی مشارکت شهروندی ضرورت دارد، اما تجربه کشورهای مختلف – و همین‌طور شهرهای ایران – نشان داده است که صرفاً وجود ساختارهای رسمی و قانونی هرگز برای تحقق مشارکت واقعی کافی نیست. مشارکت اثربخش به‌شدت به بسترهای اجتماعی، فرهنگی و روانی جامعه وابسته است. از این رو در ادبیات مدیریت شهری و جامعه‌شناسی شهری، از سه مؤلفه نرم‌افزاری کلیدی به‌عنوان پیش‌شرط‌های مشارکت پایدار نام برده می‌شود که عبارت‌اند از: فرهنگ مشارکت، سرمایه اجتماعی، و آموزش و آگاهی شهروندی.

٤-٤-١- فرهنگ مشارکت

فرهنگ مشارکت به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و باورهای اجتماعی که مشارکت عمومی در امور شهری را امری طبیعی، ارزشمند و حتی وظیفه شهروندی می‌داند، بستر اصلی برای شکل‌گیری کنش مشارکتی است. در بسیاری از جوامع، سال‌ها آموزش ضمنی و رسمی باعث شده است که مردم احساس کنند در قبال محله، خیابان، یا حتی فضای سبز شهر خود مسئول‌اند و باید برای تصمیمات مرتبط با آن نظر بدهند یا کمک کنند.در مقابل، در جوامعی که فرهنگ مشارکت ضعیف است، شهروندان غالباً امور شهری را فقط در حیطه وظایف دولت و شهرداری می‌دانند و خود را بیرون از دایره مسئولیت تلقی می‌کنند. این وضعیت در بخشی از شهرهای ایران هم مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه، پژوهش موسوی و یزدان‌پناه (۱۳۹۸) در بررسی پروژه‌های نوسازی بافت‌های فرسوده نشان داد که در مناطقی که فرهنگ محلی مردم به همیاری و مشارکت در امور جمعی گرایش بیشتری دارد (مثلاً در برخی مناطق جنوبی شهر تهران)، طرح‌ها با هزینه و مقاومت کمتر اجرا شده‌اند.

٤-٤-٢- سرمایه اجتماعی و اعتماد متقابل

یکی دیگر از پیش‌شرط‌های اساسی مشارکت موفق، وجود سطح مناسبی از سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی مفهومی جامعه‌شناختی است که به «شبکه‌های روابط، اعتماد و هنجارهای متقابل درون یک جامعه» اشاره دارد. به تعبیر پوتنام (۱۹۹۳)، هرچه اعتماد متقابل بین شهروندان و نیز میان شهروندان با نهادهای مدیریت شهری بیشتر باشد، تمایل به همکاری و مشارکت

داوطلبانه نیز افزایش می‌یابد.در ایران نیز مطالعات نشان می‌دهد که پایین بودن سرمایه اجتماعی و بی‌اعتمادی نسبت به عملکرد شهرداری‌ها، یکی از مهم‌ترین موانع مشارکت شهروندان است. رضازاده و همکاران (۱۴۰۰) با بررسی تطبیقی الگوهای مشارکت در چند کلان‌شهر ایران به این نتیجه رسیدند که در مناطقی که سابقه تخلفات یا پروژه‌های ناتمام زیاد بوده است، میزان اعتماد شهروندان به شهرداری به شدت کاهش یافته و این موضوع باعث شده حتی جلسات مشورتی محلی نیز عملاً بی‌اثر بماند.

٤-٤-٣-آموزش و آگاهی شهروندی

مؤلفه سوم، آگاهی شهروندی و آموزش عمومی درباره حقوق و مسئولیت‌های شهری است. در شرایطی که بخش زیادی از شهروندان نسبت به حقوق خود در زمینه مشارکت در تصمیم‌گیری‌های شهری، سازوکارهای شکایت، یا حتی شیوه‌های پیگیری مطالبات محلی ناآگاه هستند، طبیعی است که میزان مطالبه‌گری و حضور فعال آن‌ها نیز کاهش یابد.برای مثال، شکوئی (۱۳۹۳) در تحلیل بومی مفهوم مشارکت در شهرهای ایران، اشاره می‌کند که «بسیاری از شهروندان حتی نمی‌دانند جلسات علنی شورای شهر یا مشاوره‌های محله‌ای چگونه برگزار می‌شود و چه فرصت‌هایی برای طرح نظرات خود دارند». همین امر موجب شده بسیاری از ظرفیت‌های قانونی مشارکت (که مثلاً در قانون شوراها و شهرداری‌ها پیش‌بینی شده) عملاً بلااستفاده بماند. آموزش مشارکت می‌تواند از طریق برنامه‌های رسمی (کارگاه‌های آموزشی، اطلاعیه‌های شهرداری، دروس مدارس) یا غیررسمی (رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، نشست‌های محلی) پیگیری شود. پژوهش موسوی و یزدان‌پناه (۱۳۹۸) نشان داد که حتی اطلاع‌رسانی ساده و مداوم درباره پروژه‌های شهری در برخی مناطق توانسته زمینه گفت‌وگوی بیشتری بین مردم و شهرداری ایجاد کند.

۵- مدل‌ها و شاخص‌های مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

مشارکت شهروندی، مفهومی چندبعدی و پویاست که بدون بهره‌گیری از ابزارهای مفهومی دقیق و شاخص‌های سنجش‌پذیر، صرفاً به شعاری زیبا و آرمانی در ادبیات مدیریت شهری تبدیل می‌شود. تجربه کشورهای توسعه‌یافته و همچنین پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نشان داده‌اند که درک صرفِ کیفی از مشارکت بدون تبدیل آن به سنجه‌های قابل ارزیابی، عملاً به سیاست‌گذاری ناکارآمد منجر می‌شود (موسوی و یزدان‌پناه، ۱۳۹۸). به همین دلیل، پژوهشگران حوزه‌های مختلف از جمله شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری، جامعه‌شناسی شهری و علوم سیاسی، تلاش کرده‌اند مدل‌هایی را برای تبیین مفهوم مشارکت و شاخص‌هایی برای سنجش سطوح آن طراحی کنند.

این مدل‌ها، غالباً شامل سلسله‌مراتبی از سطوح مشارکت‌اند که از سطوح نمادین و حداقلی مانند اطلاع‌رسانی آغاز شده و تا سطوح پیشرفته‌تر مانند شراکت در تصمیم‌سازی و تفویض قدرت گسترش می‌یابند. بر این اساس، هر شهرداری یا سازمان محلی می‌تواند موقعیت خود را در این سلسله‌مراتب ارزیابی کرده و بر اساس شکاف‌های موجود، برنامه‌ای برای ارتقاء سطح مشارکت طراحی کند (کاظمیان، ۱۳۹۵). به‌عبارت دیگر، مدل‌ها مانند نقشه‌های راهبردی عمل می‌کنند که به مدیران و سیاست‌گذاران شهری کمک می‌کنند سطح واقعی مشارکت را بشناسند، اهداف مطلوب را تعریف کنند، و گام‌های گذار به سطوح بالاتر را مشخص نمایند. شاخص‌ها نیز به‌عنوان ابزارهای اجرایی مکمل این مدل‌ها، میزان تحقق عملی مشارکت در حوزه‌هایی نظیر شفافیت، فراگیری، تأثیرگذاری، دسترسی به اطلاعات، و پیگیری مطالبات مردمی را قابل‌سنجش می‌کنند.

برای مثال، اگر شهرداری دیواندره بخواهد میزان موفقیت خود در حوزه مشارکت شهروندی را تحلیل کند، صرف ادعای «برگزاری جلسات مردمی» کفایت نمی‌کند. بلکه باید با کمک شاخص‌هایی مانند تعداد جلسات مشورتی، تنوع شرکت‌کنندگان، میزان انعکاس نظرات شهروندان در طرح نهایی، و نرخ بازخورد عمومی، وضعیت مشارکت را به‌صورت کمّی و کیفی ارزیابی کند. همچنین بهره‌گیری از مدل‌های مفهومی مشارکت باعث می‌شود که تصمیم‌گیران شهری بتوانند سطح سیاست‌های مشارکتی خود را به‌صورت هدفمند افزایش دهند. مثلاً اگر در ارزیابی‌ها مشخص شود که شهرداری تنها در سطح اطلاع‌رسانی قرار دارد، آنگاه باید راهبردهایی برای گذار به سطح «مشاوره» یا «شراکت» طراحی کند.

از سوی دیگر، شاخص‌ها ابزارهایی برای پایش و ارزیابی مستمر عملکرد شهرداری‌ها در حوزه مشارکت نیز محسوب می‌شوند. یعنی نهادهای ناظر و حتی خود شهروندان می‌توانند بر اساس این شاخص‌ها، عملکرد نهاد مدیریت شهری را ارزیابی کرده و مطالبه‌گری مؤثرتری داشته باشند. در این میان، استفاده از شاخص‌های محلی‌سازی‌شده (بومی‌شده) برای شهرهای کوچک مانند دیواندره اهمیت بیشتری دارد، زیرا شاخص‌های بین‌المللی بدون توجه به شرایط فرهنگی، جمعیتی و نهادی شهر ممکن است گمراه‌کننده باشند (رضازاده و همکاران، ۱۴۰۰). به بیان کلی، اهمیت مدل‌ها و شاخص‌های مشارکت در سه نکته کلیدی نهفته است:تشخیص وضعیت موجود مشارکت بر اساس واقعیت‌های قابل‌سنجش.: طراحی مسیر بهبود و ارتقاء مشارکت بر اساس هدف‌گذاری سطح مطلوب.: پایش و ارزیابی مستمر عملکرد شهرداری در راستای شفاف‌سازی و پاسخ‌گویی.

۵-۱-مدل نردبان مشارکت آرنشتاین

«شری آرنشتاین» در سال ۱۹۶۹، این مدل را با هدف افشای سطوح واقعی یا کاذب مشارکت ارائه کرد. او باور داشت که بسیاری از نهادهای دولتی و شهری، تحت عنوان «مشارکت مردم»، صرفاً به جلب رضایت ظاهری یا خنثی‌سازی مخالفت‌ها می‌پردازند، بدون اینکه قدرت تصمیم‌گیری واقعی به شهروندان داده شود. بنابراین این مدل به‌عنوان یک چارچوب انتقادی طراحی شد تا نشان دهد مشارکت حقیقی چیست و چگونه از اشکال سطحی قابل تفکیک است(آرنستین[1]، ۱۹۶۹).

۵-۱-۱-هشت سطح نردبان آرنشتاین

مدل آرنشتاین شامل هشت پله است که در سه گروه اصلی دسته‌بندی می‌شوند:

گروه اول: سطوح غیرمشارکتی:

۱. دست‌کاری :

در این سطح، مقامات تنها وانمود می‌کنند که در حال مشورت با مردم هستند. جلسات یا کمیته‌ها صرفاً برای القاء یک دیدگاه خاص طراحی می‌شود، و مردم هیچ تأثیری ندارند. نمونه آن در برخی پروژه‌های ایران دیده می‌شود که شهروندان به جلسات دعوت می‌شوند اما فقط اطلاعات از پیش‌تعیین‌شده به آنها داده می‌شود (موسوی و یزدان‌پناه، ۱۳۹۸).

۲. درمان‌گری در این پله، مقامات فرض می‌کنند که مشکل در خود مردم است؛ بنابراین تلاش می‌کنند با «آموزش اصلاحی»، آنها را تغییر دهند تا مخالفت نکنند. به‌جای شنیدن انتقادات، هدف اصلاح نگرش مردم است. در ایران این مورد در طرح‌های نوسازی برخی محلات دیده شده که به‌جای گفتگو درباره طرح، جلسات برای «اقناع ذهنی» شهروندان برگزار می‌شود (رضازاده و همکاران، ۱۴۰۰).

گروه دوم: سطوح نمادین :

۳. اطلاع‌رسانی : در این سطح مردم از تصمیمات، طرح‌ها و پروژه‌ها آگاه می‌شوند اما نقشی در شکل‌گیری آنها ندارند. این سطح از مشارکت مهم است چون مبنای شفافیت است ولی همچنان یک‌طرفه محسوب می‌شود. بسیاری از شهرداری‌های ایران در این مرحله متوقف می‌مانند؛ مثلاً نصب تابلوهای اطلاع‌رسانی یا سایت‌های شهرداری‌ها که خبر از مصوبات می‌دهند.

۴. مشورت : در این سطح از مردم نظرسنجی می‌شود، جلسات پرسش و پاسخ برگزار می‌شود یا حتی طرح‌ها برای اظهار نظر عمومی به نمایش گذاشته می‌شود. با این حال تضمینی وجود ندارد که نظرات مردم در تصمیم نهایی وارد شود. این سطح در ایران به‌صورت همایش‌ها و نظرسنجی‌های صوری زیاد به چشم می‌خورد (کاظمیان، ۱۳۹۵).

۵. تسکین : این مرحله یک گام جلوتر از مشورت است؛ مقامات به برخی نمایندگان مردم اجازه می‌دهند در کمیته‌ها یا شوراها شرکت کنند اما هنوز تصمیم‌گیری در اختیار نهادهای رسمی باقی می‌ماند. در شهرداری‌های ایران گاه دیده می‌شود که از چهره‌های محلی یا ریش‌سفیدان دعوت می‌شود ولی قدرت تصمیم‌سازی واقعی به آنها داده نمی‌شود.

گروه سوم: سطوح مشارکت واقعی

۶. شراکت : در این سطح، شهروندان و مقامات به‌طور مشترک در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارند. قدرت میان آنها تقسیم می‌شود و فرآیندها دوطرفه می‌شود. شوراهای محله‌ای که اختیار بررسی طرح‌ها و ارائه بازخورد الزام‌آور دارند، نمونه‌ای از نزدیک شدن به این سطح است (هرچند در ایران اغلب ضعیف عمل می‌کند).

۷. تفویض قدرت: در این مرحله قدرت رسمی تصمیم‌گیری در برخی امور مشخص به شهروندان یا نهادهای منتخب آنها واگذار می‌شود. برای مثال، در کشورهای اسکاندیناوی بودجه‌ریزی محله‌ای توسط کمیته‌های محلی انجام می‌شود.

۸. کنترل شهروندی: بالاترین سطح مشارکت زمانی است که جامعه محلی به‌طور کامل مدیریت برنامه یا پروژه‌ای را در دست می‌گیرد. شهرداری نقش پشتیبان را ایفا می‌کند. در ایران چنین سطحی تقریباً ناشناخته باقی مانده است.

۵-۱-۲-جایگاه این مدل در ایران

پژوهش‌های داخلی مانند موسوی و یزدان‌پناه (۱۳۹۸) و رضازاده و همکاران (۱۴۰۰) نشان می‌دهند که اغلب شهرداری‌ها در ایران در پله‌های سوم (اطلاع‌رسانی) یا چهارم (مشورت) باقی مانده‌اند. دلیل آن هم ترکیبی از عوامل ساختاری (تمرکزگرایی)، نبود قوانین الزام‌آور، ضعف فرهنگ مشارکت و بی‌اعتمادی متقابل است. حتی در پروژه‌هایی که جلسات مشورتی برگزار می‌شود، عملاً تصمیم نهایی بدون لحاظ جدی خواسته‌های مردم اتخاذ می‌شود.

۶- روش پژوهش

مطالعه حاضر از منظر هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد؛ چرا که یافته‌های آن به‌طور مستقیم می‌تواند در بهبود فرآیندهای مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری شهرداری دیواندره و ارتقای سطح مشارکت شهروندان به‌کار گرفته شود. از نظر

1 .Arnstein

ماهیت و روش گردآوری داده‌ها نیز این تحقیق توصیفی ـ تحلیلی است. روش توصیفی در این پژوهش برای ترسیم ویژگی‌های کمی و کیفی وضعیت موجود مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شهری به‌کار گرفته شده و روش تحلیلی به‌منظور تفسیر یافته‌ها و ارتباط بین مؤلفه‌های مختلف مشارکت مورد استفاده قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شهروندان ساکن شهر دیواندره است که به‌طور بالقوه می‌توانند در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری و فعالیت‌های مشارکتی شهرداری نقش داشته باشند. با توجه به ماهیت مطالعه، تمرکز بر این است که دیدگاه‌ها و تجربیات شهروندان به‌عنوان استفاده‌کنندگان اصلی خدمات شهری و ذی‌نفعان مستقیم برنامه‌های شهرداری شناسایی گردد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. با توجه به اینکه حجم دقیق جمعیت ساکن در دیواندره طبق آخرین سرشماری حدود ۳۰ هزار نفر است، و با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای مجاز ۵ درصد، حجم نمونه لازم تقریباً برابر با ۳۸۰ نفر برآورد شد. سپس به‌منظور انتخاب پاسخگویان از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بهره گرفته شد تا اطمینان حاصل شود که هر یک از شهروندان شانس برابر برای ورود به نمونه را دارند و نتایج قابلیت تعمیم بیشتری به کل جامعه هدف داشته باشد.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته است که بر اساس مبانی نظری پژوهش و مرور جامع ادبیات داخلی و خارجی درباره مشارکت شهروندی در مدیریت شهری طراحی گردید. این پرسشنامه به‌گونه‌ای تدوین شد که بتواند ابعاد مختلف مشارکت شهروندان را در سه محور اصلی شامل:

- سطح اطلاع‌رسانی شهرداری به شهروندان
- فرصت‌ها و بسترهای ارائه نظرات و پیشنهادها (مشاوره)
- حس اثرگذاری و میزان تمایل به مشارکت در پروژه‌های شهری

ارزیابی کند. علاوه بر این، بخشی از پرسشنامه به شناسایی موانع فردی و نهادی مشارکت شهروندی اختصاص یافت. جهت سنجش اعتبار ابزار، پرسشنامه در اختیار جمعی از اساتید حوزه شهرسازی و مدیریت شهری و نیز کارشناسان باتجربه شهرداری‌های استان قرار گرفت و پس از اعمال اصلاحات پیشنهادی، روایی محتوایی آن تأیید شد. همچنین برای اطمینان از پایایی، یک مطالعه مقدماتی (Pre-test)بر روی ۳۰ نفر از شهروندان دیواندره انجام گرفت که محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های اصلی پرسشنامه بالاتر از ۰.۷۸ به‌دست آمد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول ابزار گردآوری داده‌ها بود.

برای گردآوری داده‌ها، تیم پرسشگر آموزش‌دیده‌ای به مناطق مختلف شهر دیواندره اعزام شد تا با مراجعه حضوری و روش چهره‌به‌چهره، از شهروندان درخواست تکمیل پرسشنامه نمایند. این روش باعث شد نرخ بازگشت پرسشنامه‌ها بسیار بالا باشد و پاسخ‌ها از دقت بهتری برخوردار شود. پس از تکمیل گردآوری، داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS وارد و پردازش شدند. در مرحله نخست، از آمارهای توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی، جداول فراوانی و نمودارهای ستونی و دایره‌ای برای نمایش ویژگی‌های اصلی داده‌ها و وضعیت ابعاد مختلف مشارکت استفاده گردید. در مرحله بعد، به‌منظور تحلیل روابط بین متغیرها و آزمون فرضیات پژوهش، از آزمون‌های همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط میان متغیرهایی مانند سطح اطلاع‌رسانی و حس اعتماد به شهرداری با میزان مشارکت شهروندی بهره گرفته شد. همچنین در مواردی که نیاز به مقایسه میانگین‌ها میان گروه‌های مختلف جمعیتی (بر اساس سن، جنسیت، تحصیلات) وجود داشت، از آزمون‌های تحلیل واریانس (ANOVA)استفاده شد تا مشخص گردد آیا تفاوت معناداری در الگوهای مشارکت شهروندی میان این گروه‌ها وجود دارد یا خیر.

تمامی شهروندان پیش از تکمیل پرسشنامه در جریان اهداف کلی پژوهش قرار گرفتند و اطمینان داده شد که اطلاعات آنها کاملاً محرمانه خواهد بود و نتایج صرفاً به‌صورت کلی و بدون ذکر نام افراد تحلیل می‌شود. به این ترتیب اصول اخلاق پژوهی در جمع‌آوری داده‌های میدانی به‌دقت رعایت شد.

۷- معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر دیواندره یکی از شهرهای استان کردستان در شمال‌غرب ایران است که در مختصات جغرافیایی تقریباً ۳۶ درجه و ۱۴ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۱ دقیقه طول شرقی واقع شده است. این شهر به‌عنوان مرکز شهرستان دیواندره محسوب می‌شود و در مسیر ارتباطی مهم بین سنندج ـ سقز قرار دارد. قرارگیری دیواندره در این موقعیت جغرافیایی، آن را به‌عنوان یکی از گره‌های ترافیکی و تجاری ناحیه تبدیل کرده است. ارتفاع این شهر از سطح دریا حدود ۱۹۴۰ متر است که سبب شده آب‌وهوای آن در مقایسه با سایر مناطق استان نسبتاً سردتر و زمستان‌هایی طولانی و پربرف داشته باشد. اقلیم کوهستانی دیواندره و گستره دشت‌های اطراف آن، چشم‌اندازهای طبیعی زیبایی را در پیرامون شهر ایجاد کرده است که از نظر توسعه گردشگری بالقوه ارزشمند است.

بر اساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵)، جمعیت شهر دیواندره حدود ۲۵٬۰۰۰ نفر بوده که در قالب تقریباً ۷,۳۰۰ خانوار در این شهر سکونت دارند. این جمعیت در سال‌های اخیر روندی نسبتاً باثبات داشته و نرخ رشد سالانه آن پایین‌تر از

میانگین استان بوده است. ساختار سنی جمعیت دیواندره نیز جوان است، به‌طوری‌که بیش از ۳۰ درصد از جمعیت این شهر را افراد زیر ۲۰ سال تشکیل می‌دهند که این موضوع اهمیت ویژه‌ای برای برنامه‌ریزی‌های شهری در حوزه فضاهای آموزشی، ورزشی و فرهنگی پیدا می‌کند. از بعد اجتماعی، ترکیب قومی شهر عمدتاً کرد بوده و زبان کردی (لهجه سورانی) زبان غالب ارتباطی مردم است. وجود پیوندهای قوی قومی و خویشاوندی از ویژگی‌های مهم ساختار اجتماعی دیواندره به‌شمار می‌رود که در زمینه‌سازی همیاری‌های محلی و همچنین الگوهای مشارکت اجتماعی و شهری نقش مؤثری دارد.

۷-۱-ساختار و وظایف شهرداری دیواندره

شهرداری دیواندره مطابق با قوانین مصوب کشور، یک نهاد عمومی غیردولتی محسوب می‌شود که به‌صورت مستقل از دولت اما تحت نظارت وزارت کشور و شوراهای اسلامی شهر فعالیت می‌کند. ساختار مدیریتی شهرداری دیواندره متشکل از شهردار به‌عنوان بالاترین مقام اجرایی، معاونت‌ها و دوایر مختلف فنی، شهرسازی، خدمات شهری، مالی و اداری، و همچنین سازمان‌های وابسته است که هرکدام بخشی از وظایف مدیریت شهری را به عهده دارند.

از مهم‌ترین وظایف شهرداری دیواندره که مطابق مواد قانون شهرداری‌ها (مصوب ۱۳۳۴) تعریف شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری (مانند طرح تفصیلی و هادی شهری) با همکاری مهندسین مشاور و تصویب مراجع ذی‌ربط.
- نظارت بر ساخت‌وسازها و صدور پروانه‌های ساختمانی به‌منظور کنترل ضوابط شهرسازی و جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیرمجاز.
- اجرای پروژه‌های عمرانی و خدماتی شهری مانند احداث خیابان‌ها، میادین، پارک‌ها، شبکه‌های آب‌های سطحی، جدول‌گذاری و آسفالت معابر.
- مدیریت پسماند شهری و نظافت معابر که یکی از مهم‌ترین و ملموس‌ترین خدمات روزمره شهرداری است.
- تلاش برای ارتقای زیباسازی و سیمای بصری شهر از طریق طراحی مبلمان شهری، نصب المان‌ها، نورپردازی و...
- جمع‌آوری عوارض محلی و هزینه‌کرد آن‌ها در راستای عمران و خدمات شهری.

در کنار این وظایف، شهرداری دیواندره بر اساس مصوبات شورای اسلامی شهر، موظف است زمینه‌ساز افزایش مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری باشد؛ موضوعی که به‌عنوان یکی از سیاست‌های کلان مدیریت شهری در کشور مطرح است. این وظیفه به‌ویژه در قالب برگزاری جلسات مشورتی محله‌ای، اطلاع‌رسانی شفاف پروژه‌ها، و ایجاد بسترهای الکترونیک برای اخذ نظرات مردم معنا پیدا می‌کند. با این حال مطالعات تطبیقی در شهرهای هم‌اندازه دیواندره نشان می‌دهد که تحقق این مأموریت با چالش‌هایی مانند کمبود منابع انسانی متخصص، ضعف بسترهای فناوری اطلاعات و در برخی موارد کمبود اعتماد متقابل میان شهرداری و شهروندان روبه‌روست.

۸- یافته ها

۸-۱-وضعیت موجود مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری در دیواندره

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه‌های تکمیل‌شده توسط ۳۸۰ شهروند ساکن دیواندره، نشان می‌دهد که وضعیت مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شهرداری این شهر در سطح پایینی قرار دارد و عمدتاً به سطوح نمادین مشارکت محدود می‌شود. این یافته‌ها در چند محور اصلی قابل توضیح است:

-میزان اطلاع‌رسانی شهرداری به شهروندان

یکی از پیش‌شرط‌های مشارکت آگاهانه، دسترسی شهروندان به اطلاعات کافی درباره برنامه‌ها، پروژه‌ها و تصمیمات شهرداری است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ۹/۶۷ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند که شهرداری به‌صورت رسمی آن‌ها را از پروژه‌ها و تصمیمات جدید مطلع نمی‌کند و تنها از طریق مشاهده پروژه‌های در حال اجرا در سطح شهر یا شنیدن اخبار غیررسمی آگاهی پیدا می‌کنند. این امر نشان‌دهنده ضعف جدی در شفافیت اطلاعات و اطلاع‌رسانی رسمی شهرداری به مردم است.

-میزان حضور و مشارکت در جلسات و فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری

بر اساس داده‌های جمع‌آوری‌شده، تنها ۴/۱۸ درصد از شهروندان مشارکت خود در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری را «زیاد» یا «نسبتاً زیاد» ارزیابی کرده‌اند. این در حالی است که ۱/۵۳ درصد از افراد میزان مشارکت خود را «کم» یا «بسیار کم» دانسته‌اند. چنین آماری نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از مردم دیواندره یا فرصت حضور مؤثر در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری را پیدا نکرده‌اند یا اصولاً تمایلی به این مشارکت ندارند که این موضوع می‌تواند ریشه در عوامل فردی، نهادی و فرهنگی داشته باشد.

-درک مردم از جایگاه شهرداری در فرآیند مشارکت

پرسش‌های دیگری در این تحقیق به شناسایی نگرش مردم نسبت به نقش شهرداری در فرآیندهای مشارکت اختصاص یافت. نتایج حاکی از آن است که اکثر شهروندان، شهرداری را صرفاً یک نهاد اجرایی می‌دانند و نه سازمانی که می‌تواند از طریق مشورت‌گیری و ایجاد کانال‌های مشارکت واقعی، مردم را در تصمیم‌گیری‌ها سهیم کند. این طرز تلقی به‌وضوح نشان می‌دهد که اعتماد متقابل و دیدگاه توسعه‌یافته نسبت به شهرداری به‌عنوان نهاد مشارکت‌جو در دیواندره هنوز شکل نگرفته است.

جدول ۱- نتایج وضعیت مشارکت شهروندان در دیواندره

شاخص	درصد پاسخ‌ها	فراوانی (نفر)
مطلع شدن از پروژه‌های شهرداری به‌طور رسمی	32.1 %	122
مطلع نشدن به‌طور رسمی (اطلاع غیررسمی/مشاهده میدانی)	67.9 %	258
میزان مشارکت بالا (زیاد / نسبتاً زیاد)	18.4 %	70
میزان مشارکت متوسط	28.4 %	108
میزان مشارکت پایین (کم / بسیار کم)	53.1 %	202

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، درصد بالایی از شهروندان (بیش از دو سوم) به‌طور رسمی از تصمیمات و برنامه‌های شهرداری مطلع نمی‌شوند که این موضوع نشانگر ضعف اساسی در نظام اطلاع‌رسانی و شفافیت شهرداری دیواندره است. همچنین توزیع پاسخ‌ها در مورد سطح مشارکت شهروندان نشان می‌دهد که اکثریت مردم این شهر حضور جدی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی ندارند. این وضعیت می‌تواند ناشی از کمبود بسترهای دعوت به مشارکت (مانند جلسات محله‌ای یا سامانه‌های مشارکت الکترونیک)، ضعف فرهنگ مطالبه‌گری، و حتی کم‌اعتمادی به نهادهای مدیریت شهری باشد.

۸-۲- ابزارها و کانال‌های مشارکت شهروندی در دیواندره

یکی از الزامات اصلی برای تحقق مشارکت واقعی شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری، وجود ابزارها، بسترها و کانال‌های مشخص برای برقراری ارتباط دوطرفه میان مردم و شهرداری است. بدون این ابزارها، حتی اگر انگیزه و فرهنگ مشارکت در میان شهروندان وجود داشته باشد، فرصت و سازوکار عملی برای حضور مردم در فرآیندهای شهری فراهم نخواهد شد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که شهر دیواندره از منظر دارا بودن زیرساخت‌ها و ابزارهای رسمی و غیررسمی مشارکت مردمی، وضعیت مطلوبی ندارد. تحلیل پاسخ‌های پرسشنامه حاکی از آن است که بیش از ۶۵ درصد از شهروندان دیواندره اذعان داشته‌اند که در این شهر هیچ مکانیزم شفاف، قابل دسترس و مداومی برای مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های شهرداری تعریف نشده است. در ادامه به مهم‌ترین ابزارها و وضعیت هر یک در دیواندره پرداخته می‌شود. وب‌سایت رسمی شهرداری دیواندره در حال حاضر صرفاً به‌عنوان یک پایگاه اطلاع‌رسانی پایه عمل می‌کند و عمدتاً اخبار، اطلاعیه‌ها و بخش کوچکی از خدمات الکترونیک (مانند پرداخت عوارض) را پوشش می‌دهد. طبق نتایج پرسشنامه، تنها ۱۲ درصد از شهروندان اظهار داشته‌اند که تاکنون از طریق سایت شهرداری توانسته‌اند نظری ارائه کنند یا گزارشی از مشکل شهری ثبت نمایند. نبود فرم‌های تعاملی، درگاه‌های دریافت شکایت یا پیشنهاد و گزارش‌های عملکرد فصلی، از مهم‌ترین نقاط ضعف این بستر است.

شهرداری دیواندره صفحات فعالی در برخی شبکه‌های اجتماعی دارد که از آن‌ها برای اطلاع‌رسانی رویدادها و پروژه‌ها استفاده می‌کند. اما این اطلاع‌رسانی غالباً یک‌طرفه و فاقد مکانیسم رسمی برای اخذ بازخورد شهروندان است. بر اساس نتایج تحقیق، بیش از ۵۷ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند این صفحات بیشتر جنبه تبلیغاتی دارند و کمتر بستری برای شنیدن صدای مردم هستند. این در حالی است که در بسیاری از شهرهای متوسط ایران، صفحات رسمی شهرداری به مکانی برای برگزاری نظرسنجی‌های کوچک محلی یا انتشار فراخوان‌های همیاری مردمی تبدیل شده‌اند.

از منظر حقوقی، شوراهای اسلامی شهر و محله مهم‌ترین حلقه اتصال مردم به شهرداری هستند. اما داده‌های این پژوهش نشان داد که بیش از ۷۰ درصد شهروندان دیواندره نه تنها تاکنون ارتباط مستقیمی با این شوراها نداشته‌اند، بلکه حتی از نحوه برقراری تماس یا جلسات علنی آنها بی‌اطلاع‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که شوراها در دیواندره نتوانسته‌اند نقش واقعی خود را به‌عنوان نهاد واسط ایفا کنند.

جدول ۲- وضعیت ابزارها و کانال‌های مشارکت شهروندی در دیواندره

نوع ابزار / کانال	پیشنهاد برای بهبود	نقاط ضعف و کاستی‌ها	نقاط قوت موجود	درصد آشنایی و استفاده شهروندان	شرح وضعیت موجود
سامانه اینترنتی شهرداری	طراحی ماژول‌های نظرسنجی، سامانه رصد پروژه‌ها و امکان پیگیری درخواست‌ها در سایت	نبود ماژول‌های تعاملی، گزارش عملکرد منظم، و فرم ثبت پیشنهاد یا شکایت	دسترسی ۲۴ ساعته و فراهم بودن در بستر اینترنت	تنها 12%از پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند که تاکنون به سایت مراجعه و از آن برای پیگیری یا ثبت مشکل استفاده کرده‌اند.	سایت رسمی شهرداری دیواندره فقط شامل اخبار، اطلاعیه‌ها و امکان مشاهده قبوض است و فاقد فرم‌های نظرخواهی، سامانه گزارش مشکلات محلات یا داشبورد پیگیری پروژه‌ها می‌باشد.
صفحات	ایجاد بخش ثابت	عدم پاسخ‌گویی به	سرعت بالا در	حدود 43%از	شهرداری دیواندره در پیام‌رسان‌ها و

شهرداری در شبکه‌های اجتماعی	«سوالات و پاسخ‌های مردمی»، برگزاری لایوهای شهردار با مردم، و طراحی پویش‌های مشارکت اجتماعی در این صفحات	انتقادها، نبود فراخوان عمومی برای ایده‌ها، نبود کمپین‌های مشارکتی	اطلاع‌رسانی و جذابیت بصری محتوا	شهروندان گفته‌اند که این صفحات را دنبال می‌کنند اما کمتر در آن‌ها نظر می‌دهند.	شبکه‌های اجتماعی دارای صفحات فعال است اما محتوای آن صرفاً اطلاع‌رسانی تصویری (تبلیغ پروژه‌ها) می‌باشد و بازخوردها مدیریت‌شده یا بی‌پاسخ باقی می‌ماند.
شوراهای اسلامی شهر و محله	طراحی جلسات محله‌ای با حضور شورا و شهرداری، ارائه گزارش عملکرد فصلی در میادین یا حسینیه‌ها، بروشورهای اطلاع‌رسانی وظایف شورا	ضعف اطلاع‌رسانی شوراها، نبود حضور فعال محله‌محور، فقدان گزارش‌های عمومی به مردم	امکان قانونی ورود مستقیم مردم به تصمیم‌سازی‌ها از طریق شوراها	تنها 30% گفته‌اند حداقل یک‌بار در امور شهری از طریق اعضای شورا اقدام یا ارتباطی داشته‌اند.	شوراهای شهر و محله در قانون نقش اساسی دارند ولی طبق یافته‌های پرسشنامه، بیش از 70% شهروندان از جلسات یا راه‌های ارتباط با شورا بی‌اطلاع‌اند. بسیاری آن‌ها را صرفاً نهاد تصویب بودجه شهرداری می‌دانند.
جلسات مشورتی یا همایش‌های مردمی	تدوین «تقویم جلسات مشورتی شهری» و اعلام عمومی آن در محلات	نبود زمان‌بندی مشخص، اطلاع‌رسانی ضعیف، محدود بودن به پروژه‌های خاص	ایجاد حداقل فرصت رودررو با مردم	فقط 9% شهروندان شرکت در این جلسات را تجربه کرده‌اند.	در دیواندره جلسات مشورتی محدود و عمدتاً در سطح مناسبت‌های ملی یا پروژه‌های شاخص برگزار می‌شود. تداوم و نظام‌مندی ندارد.
تابلوهای اعلانات و بنرهای اطلاع‌رسانی محلی	طراحی تابلوهای تعاملی QR Codeدار برای دسترسی به فرم‌های مشارکت یا سایت شهرداری	تک‌بعدی و غیرتعاملی، بدون اطلاعات تماس برای ارائه نظر	قابل‌مشاهده بودن برای همه گروه‌های سنی و اقشار	55% گفته‌اند که این بنرها را می‌بینند اما فاقد اطلاعات واقعی درباره فرآیند مشارکت است.	به‌طور عمده در میدان‌ها و خیابان‌های اصلی نصب می‌شود و محتوای آن بیشتر به تبلیغات طرح‌ها و تبریکات اختصاص دارد.

این جدول نشان می‌دهد که اگرچه در دیواندره برخی بسترهای بالقوه مشارکت شهروندی مانند سایت شهرداری، شبکه‌های اجتماعی، شوراها و حتی ابزارهای کلاسیک مثل تابلوهای اطلاع‌رسانی موجود است، اما تقریباً هیچ‌کدام به‌طور نظام‌مند و هدفمند برای جلب مشارکت واقعی مردم طراحی نشده‌اند. به‌عبارت دیگر، این ابزارها عمدتاً ماهیت اطلاع‌رسانی یک‌طرفه داشته و به‌ندرت امکان بازخوردگیری، پیشنهاددهی یا حتی پیگیری مردمی از طریق آن‌ها فراهم است. از طرف دیگر، آمار پایین مراجعه و مشارکت شهروندان نشان می‌دهد که علاوه بر نقص ابزارها، سطح آگاهی و فرهنگ مشارکت نیز نیاز به ارتقاء جدی دارد. این موضوع اهمیت اقدامات ترکیبی شامل اصلاح سازوکارهای نهادی و اجرای برنامه‌های آموزش شهروندی را دوچندان می‌کند.

۸-۳-مشکلات و موانع مشارکت شهروندان در دیواندره

تحلیل داده‌های کمی و کیفی گردآوری‌شده در این تحقیق نشان می‌دهد که مشارکت شهروندان دیواندره در تصمیم‌گیری‌های شهری و فرآیندهای برنامه‌ریزی شهرداری، با ترکیبی از موانع ساختاری، نهادی، فردی و حتی روان‌شناختی مواجه است. این موانع در تعامل با یکدیگر، موجب کاهش سطح مشارکت عمومی شده‌اند و عملاً امکان دست‌یابی به الگوهای مشارکت مؤثر و پایدار را در این شهر تضعیف کرده‌اند.

۱. موانع فردی و روان‌شناختی

در سطح فردی، نتایج پرسشنامه حاکی از آن است که بیش از ۶۵ درصد از پاسخ‌دهندگان از حقوق قانونی خود برای مشارکت در امور شهری و نیز راه‌های ارتباط با شهرداری و شورا آگاهی نداشتند. این مسأله نشان می‌دهد که یکی از اساسی‌ترین موانع، فقدان آموزش‌های شهروندی و آگاهی‌بخشی‌های مستمر از سوی نهادهای مدیریت شهری است. از سوی دیگر، پاسخ‌های شهروندان بیانگر نوعی بی‌اعتمادی درونی یا ناامیدی به اثرگذاری رأی و نظر آنان بود. یعنی حتی در میان کسانی که از وجود برخی جلسات یا سامانه‌های شکایت شهرداری مطلع بودند، بسیاری ابراز داشتند که «مشارکت بی‌فایده است و تصمیم‌ها از قبل گرفته شده‌اند». چنین رویکردی ریشه در تجربیات منفی گذشته (مانند عدم پاسخ‌گویی به درخواست‌ها یا مشاهده نتایج ضعیف طرح‌ها) دارد که به مرور زمان به شکل‌گیری یأس مشارکتی منجر شده است. این وضعیت، حس خودکارآمدی مشارکت شهروندان را تضعیف می‌کند و آنان را به سمت انفعال سوق می‌دهد.

۲. موانع نهادی و مدیریتی

تحلیل داده‌ها نشان داد که شفافیت ناکافی در عملکرد شهرداری و شوراها از مهم‌ترین دلایل ضعف مشارکت مردم است. به‌طور خاص، ۷۱ درصد از پاسخ‌دهندگان بیان کردند که تاکنون هیچ‌گاه گزارشی مبنی بر دلایل انتخاب پروژه‌ها، نحوه هزینه‌کرد

بودجه‌های عمرانی یا نتایج جلسات شورا را دریافت نکرده‌اند.علاوه بر این، بسیاری از پروژه‌ها بدون آنکه پیش‌تر جلسات منظم مشورتی یا جلسات پرسش و پاسخ عمومی با حضور مردم برگزار شود آغاز شده‌اند. همین موضوع در ذهن شهروندان نوعی تصویر انحصاری و غیرپاسخ‌گو از شهرداری ایجاد کرده است.از سوی دیگر، ساختار اجرایی شهرداری دیواندره از منظر تعداد نیروهای متخصص در حوزه «مدیریت مشارکت شهروندی» یا حتی روابط عمومی توسعه‌یافته با ضعف جدی مواجه است. شهرداری عمدتاً درگیر امور روزمره خدماتی (نظافت، جمع‌آوری زباله، صدور پروانه) بوده و فاقد واحد یا کمیته فعال برای هدایت و سازماندهی مشارکت مردم در پروژه‌های توسعه شهری است. نبود چنین ساختاری باعث شده جلسات یا فراخوان‌های عمومی به‌صورت پراکنده، غیرسیستماتیک و بیشتر در موارد خاص برگزار شود.

۳. موانع ساختاری و فرهنگی

از منظر کلان‌تر، مشکل به فرهنگ عمومی مشارکت نیز بازمی‌گردد. پژوهش حاضر نشان داد که در دیواندره، مشارکت به‌عنوان یک «حق و مسئولیت شهروندی» هنوز به‌طور جدی در ذهن مردم نهادینه نشده است. در واقع بسیاری از شهروندان امور مدیریت شهری را صرفاً وظیفه شهرداری می‌دانند و تصور می‌کنند «کار ما نیست که در این تصمیمات دخالت کنیم». این طرز نگاه، ریشه در نبود آموزش مستمر در مدارس، رسانه‌ها و حتی عدم اجرای کمپین‌های آگاهی‌بخش توسط شهرداری دارد.از سوی دیگر، ساختار قومی و شبکه‌های خویشاوندی که می‌توانست به‌عنوان سرمایه اجتماعی مثبت در راستای بسیج محلی به‌کار گرفته شود، در بسیاری موارد فاقد سازماندهی لازم است. نبود انجمن‌های محلی منسجم و تشکل‌های مردم‌نهاد فعال (NGOهای شهری) باعث شده که حتی در مواقعی که اعتراض یا مطالبه‌ای در میان است، آن مطالبات به‌شکل پراکنده و مقطعی ابراز شود و هرگز به بستر ساختاریافته‌ای برای تعامل پایدار با مدیریت شهری تبدیل نشود.

جدول۳- جامع موانع مشارکت شهروندان دیواندره

سطح موانع	پیامدهای کلیدی	شواهد کمی و کیفی پژوهش	مؤلفه‌های اصلی
فردی / روان‌شناختی	کاهش انگیزه حضور در جلسات، کم‌اعتنایی به فراخوان‌ها	65%نمی‌دانند چگونه می‌توانند در تصمیم‌های شهری مشارکت کنندبسیاری از پاسخ‌دهندگان گفتند «تصمیمات از قبل گرفته شده است»	-آگاهی پایین نسبت به حقوق شهروندی- یأس از اثرگذاری نظرات- نبود شناخت از ابزارهای مشارکت (سایت، شورا، جلسات)
نهادی / مدیریتی	تضعیف اعتماد به شهرداری، تصور «نهاد خودمختار» بودن	71%تاکنون هیچ گزارشی از شهرداری یا شورا دریافت نکرده‌اند	-نبود شفافیت بودجه و پروژه‌ها- گزارش‌ندادن نتایج جلسات شورا- انحصاری بودن تصمیمات
ساختاری / فرهنگی	مشارکت مقطعی، نبود پیگیری منظم مطالبات محلات	بیشتر تعاملات محدود به روابط خویشاوندی یا صنفی است و سازماندهی برای مشارکت عمومی شکل نگرفته	-عدم نهادینه شدن فرهنگ مسئولیت‌پذیری شهری- نبود انجمن‌های محلی پایدار- کمبود تشکل‌های داوطلبانه شهری

برآیند این موانع نشان می‌دهد که مشارکت شهروندان در دیواندره بیش از هر چیز تحت تأثیر سه ضلع متصل به‌هم شامل بی‌اعتمادی نهادی، ناآگاهی فردی و کمبود زیرساخت‌های سازمان‌یافته فرهنگی است. این سه ضلع، در یک چرخه معیوب، یکدیگر را بازتولید می‌کنند: فقدان شفافیت شهرداری، یأس مشارکتی را تشدید می‌کند.: یأس مشارکتی، حضور مردم را کم می‌کند و شهرداری را بی‌نیاز از شفافیت بیشتر می‌سازد.: نبود فرهنگ مشارکت، باعث می‌شود ابزارهای موجود (مثل شوراها) بی‌اثر بمانند.

لذا راه برون‌رفت از این چرخه، نیازمند یک بسته سیاستی است که همزمان آموزش و فرهنگ‌سازی، اصلاح فرآیندهای نهادی و طراحی بسترهای فناورانه شفاف و پاسخ‌گو را دربرگیرد.

۹- نتیجه‌گیری

بررسی وضعیت مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری شهرداری دیواندره نشان داد که این شهر با چالش‌های جدی در مسیر تحقق مدیریت شهری مشارکتی و مردم‌محور روبه‌روست. نتایج پژوهش حاکی از آن است که سطح اطلاع‌رسانی شهرداری به شهروندان بسیار پایین بوده و عمدتاً به اطلاع‌رسانی‌های محدود و یک‌طرفه آن هم در مراحل اجرای پروژه‌ها محدود می‌شود. این وضعیت موجب شده شهروندان در بسیاری از موارد حتی از طرح‌ها و برنامه‌های در دست اقدام شهرداری آگاه نباشند و صرفاً در مواجهه مستقیم با عملیات اجرایی از آن‌ها مطلع شوند.از سوی دیگر، میزان حضور و اثرگذاری واقعی شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری شهری در سطح پایینی قرار دارد. بخش عمده‌ای از مردم یا فرصت و سازوکاری برای مشارکت پیدا نکرده‌اند یا اساساً به‌دلیل نبود اعتماد و اطمینان از اثرگذاری، تمایلی به حضور در چنین فرآیندهایی ندارند. به همین دلیل است که اکثریت پاسخ‌دهندگان مشارکت خود را در تصمیم‌گیری‌های شهری «کم» یا «بسیار کم» ارزیابی کرده‌اند. این پژوهش همچنین نشان داد که شهروندان دیواندره در تلقی خود، شهرداری را بیشتر به‌عنوان یک نهاد صرفاً اجرایی می‌شناسند و نه سازمانی که به‌طور فعال به‌دنبال شنیدن دیدگاه‌های مردم و مشارکت‌جویی در تصمیم‌سازی باشد. این نگاه، نشان‌دهنده ضعف روابط تعاملی شهرداری با مردم و نبود تصویر نهادی شفاف و پاسخگو در ذهن شهروندان است.از منظر ابزارها و

بسترهای مشارکت، داده‌ها نشان داد که سامانه اینترنتی شهرداری، صفحات رسمی در شبکه‌های اجتماعی، شوراهای اسلامی شهر و حتی تابلوهای اطلاع‌رسانی شهری، بیشتر کارکرد اطلاع‌رسانی یک‌طرفه و تبلیغاتی داشته و نتوانسته‌اند به‌عنوان کانال‌های واقعی تعامل و جلب مشارکت عمل کنند. در واقع، این ابزارها یا به‌درستی طراحی نشده‌اند یا فاقد برنامه‌ریزی و نظام‌مندی لازم برای تبدیل شدن به پل ارتباطی مؤثر میان مردم و مدیریت شهری هستند.در نهایت، تحلیل موانع مشارکت آشکار ساخت که این موانع در سه سطح فردی (از جمله ناآگاهی و ناامیدی نسبت به تأثیر مشارکت)، نهادی (نبود شفافیت، پاسخ‌گویی ناکافی و ساختارهای انحصاری) و ساختاری–فرهنگی (ضعف فرهنگ مسئولیت‌پذیری جمعی، نبود انجمن‌ها و نهادهای محلی فعال) گسترده شده‌اند. این موانع در پیوند با یکدیگر موجب شده‌اند مشارکت شهروندی در دیواندره عمدتاً به سطوح نمادین و حداقلی محدود شود و نتواند به‌عنوان یک رکن کلیدی در بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌های شهری ایفای نقش کند.

۱۰-پیشنهادهای کلی برای بهبود مشارکت شهروندان در دیواندره

بر اساس یافته‌های این پژوهش و با توجه به تجربه سایر شهرهای کشور و الگوهای نظری مشارکت، می‌توان برای بهبود وضعیت مشارکت شهروندان در دیواندره سه دسته راهکار اصلی پیشنهاد کرد:

در بعد ساختاری: لازم است شهرداری دیواندره با ایجاد سامانه‌های الکترونیک جامع، دفاتر محله‌ای و همچنین کمیته‌های مشارکت مردمی در کنار شورا، بسترهای لازم برای حضور آسان و نظام‌مند شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها را فراهم کند.

در بعد نهادی: شهرداری و شورا باید با شفاف‌سازی عملکرد (انتشار گزارش‌های مالی و پیشرفت پروژه‌ها)، زمان‌بندی و اطلاع‌رسانی دقیق جلسات علنی و همچنین بازنگری رویکرد خود به مشارکت (به‌عنوان یک اصل حکمرانی شهری و نه صرفاً یک اقدام تبلیغی)، اعتماد عمومی را بازسازی کنند.

در بعد فرهنگی و آموزشی: باید از طریق کمپین‌های آگاهی‌بخش، برنامه‌های مدارس، رسانه‌های محلی و حمایت از شکل‌گیری تشکل‌های مردم‌نهاد، فرهنگ مسئولیت‌پذیری و مشارکت را در میان شهروندان نهادینه کرد و با طراحی رویدادهای محلی، شهروندان را به ایفای نقش مستقیم در برنامه‌ریزی‌های شهری ترغیب نمود.

منابع

- کاظمیان، م. (۱۳۹۵). مشارکت شهروندی و توسعه پایدار شهری. فصلنامه جغرافیا و توسعه (دانشگاه سیستان و بلوچستان)، ۱۳(۴۵)، ۲۲-۱.
- شکوئی، ح. (۱۳۹۳). جغرافیای شهری نوین. تهران: سمت.
- موسوی، ع.، و یزدان‌پناه، ز. (۱۳۹۸). بررسی نقش شهرداری‌ها در نهادینه‌سازی مشارکت شهروندی (نمونه موردی: شهرداری شیراز). مجله تحقیقات شهری (دانشگاه شیراز)، ۶(۲)، ۴۷-۶۲.
- رضازاده، م.، نصیری، ف.، و سعادتی، ب. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی الگوهای مشارکت شهروندی در مدیریت شهری ایران (مطالعه موردی کلان‌شهرها). پژوهش‌های شهری معاصر، ۱۲(۱)، ۲۹-۴۹.
- Arnstein, S. R. (1969). A Ladder of Citizen Participation. Journal of the American Institute of Planners, 35(4), 216–224. https://doi.org/10.1080/01944366908977225